



پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# تمایز بین وحی، و کشف و شهود عرفانی از دیدگاه غزالی و ملاصدرا

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدمهدی گرجیان

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی

نگارش و پژوهش

قاسم علی صادقزاده

1385

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

پدر و مادر عزیزم و نوگلان باغ زندگی ام فاطمه زهرا و فرشته، و همسر مهربانم.

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس مخصوص خدای را سزااست که اندیشیدن را در جان آدمی به ودیعت قرار داد و با تقدیر و تشکر از پدر و مادر عزیزم و اساتید حوزوی و دانشگاه باقر العلوم (ع) که در کسب تربیت و تعلم اینجانب زحمات زیادی را متحمل شده اند. بالخصوص از مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه، جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدمهدی گرجیان که این فرصت را برای بنده فراهم کردند که در این دانشگاه به تحصیل بپردازم و با تدریس و راهنمایی های ارزشمند خود، اینجانب را در نوشتن این پایان نامه یاری کرده و با قدردانی از حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی که زحمت مشاوره را به عهده گرفتند و همچنین از کلیه دوستان و آشنایانی که مشوق بنده بودند و از کارمندان دانشگاه باقرالعلوم، کمال قدردانی و تشکر را دارم.

و من الله التوفیق

## چکیده

در دنیای کنونی، ادیان مختلفی اعم از ادیان الهی و غیر الهی در حال توسعه و گسترش است. ادیان الهی انتساب دین و آیین خود را به خداوند تبارک و تعالی می‌داند و از کیفیت ارتباط بین خداوند تبارک و تعالی با مخلوقات، مباحثی را تحت عناوین مختلف از جمله وحی و کلام الهی بیان کرده‌اند. اندیشمندان و صاحب نظران، تفاسیر مختلفی از وحی بیان کرده‌اند که اهم این نظریات، روان شناسانه، جامعه شناسانه و تفسیر فلسفی از وحی می‌باشد که این نوع تفاسیر از وحی گاهی با کشف و شهود عرفانی تداخل می‌کند.

با مطالعه در کتب مختلف، سعی در فهم این مسئله داشتم که همین امر، انگیزه ای شد تا رساله خود را در باب تمایز بین وحی، و کشف شهود عرفانی از دیدگاه دو متفکر جهان اسلام. ابو حامد محمدبن محمدبن محمد غزالی معروف به ابو حامد غزالی (505-450 ه.ق) و صدرالمتألهین محمدبن ابراهیم بن یحیی شیرازی معروف به ملاصدرا (وفات 1050 ه.ق) قرار دهم که با تفحص و مطالعه در کتب مختلفی که از این آقایان به جا مانده به این نتیجه رسیدم که بین وحی، و کشف و شهود، عرفانی، تقابل به تباین است. زیرا مقام نبوت و رسالت عطیه ای الهی است که با جهد و اکتساب بدست نمی آید هر چند جهد و اکتساب در آمادگی نفس برای قبول آثار وحی بشمار می آید. ولی خود وحی، هدیه ای الهی است که نصیب هر شخصی نخواهد شد. اما مقام و مراحل کشف و شهود عرفانی برای همه انسانها ممکن و میسر است که در صورت مکاشفه و مشاهده، شخص سالک باید مکاشفات و مشاهدات خود را با کشف تام نبی و اولیاء الهی بسنجد که در برخی از موارد احتیاج به تعبیر دارد. ولی وحی، امر صریح و سریعی است که خود آن هر چه که باشد حجت است و تعبیر در آن راه ندارد.

غزالی معتقد است که مؤداو محتوای وحی با الهام و کسب اختلافی ندارد ولی در مقابل ملاصدرا معتقد است که بین مؤدا و محتوای این علوم از جهت شدت وحدت در وضوح هم اختلاف حاکم است.



## فهرست مطالب

11	پیش‌گفتار:
13	مقدمه: طرح تحقیق
14	1. بیان مسأله
15	2. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:
15	3. سابقه پژوهش:
16	4. سؤالهای اصلی پژوهش:
17	5. فرضیه‌های پژوهش:
17	6. سؤالات فرعی پژوهش:
18	7. پیش‌فرض‌های پژوهش:
18	8. اهداف پژوهش
19	9. ضرورت خاص پژوهش:
19	11. روش پژوهش:
19	12. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

20	پیش درآمد.....
21	خلاصه ای از زندگی ابو حامد محمد غزالی:.....
22	خلاصه ای از زندگی صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملا صدرا:.....
25	بخش اول: وحی و کشف و شهود، معانی و اقسام آن.....
26	فصل اول: وحی.....
27	مفهوم وحی.....
27	ماده وحی از نظر لغت شناسان:.....
28	موارد استعمال وحی:.....
28	وحی در قرآن:.....
29	کاربردهای وحی در قرآن:.....
29	الف: تقدیر و تدبیر عام نظام آفرینش:.....
29	ب: هدایت غریزی یا تدبیر غریزی حیوان:.....
30	ج: الهام و در دل افکندن:.....
32	ح: پیام الهی به فرشتگان:.....
32	و: فرستادن روح به پیامبر [7]:.....
32	ز: وحی تسدید یا تأیید عملی پیشوایان:.....
33	ح: ارتباط رسالی یا همان وحی تشریحی:.....
33	ط: رابطه مستقیم و بیواسطه خداوند تبارک و تعالی با پیامبر [7]:.....
34	اصول و مبادی معرفت انسان:.....
35	وحی از نگاه مکاتب مختلف:.....
36	مکتب کلامی.....
36	مکتب فلسفی.....



37	..... مکتب عرفانی:
37	..... خصوصیات و ویژگی های وحی:
37	..... 1- درونی بودن:
38	..... 2- تعلیم الهی:
38	..... 3- آگاهی از مبدأ وحی:
38	..... 4- ادراک واسطه وحی:
38	..... 5- تردید و ابهام ناپذیری:
38	..... 6- تضاد ناپذیری:
39	..... تحلیل وحی:
39	..... الف) نظریه فلسفی وحی:
39	..... مقدمه اول:
40	..... اما اصل نظریه:
43	..... نقد و بررسی نظریه فلسفی وحی:
43	..... جواب نقدها:
45	..... نظریه عرفانی وحی:
46	..... نقد و بررسی نظریه عرفانی وحی:
47	..... تفسیر روان شناسانه و جامعه شناسانه از وحی:
47	..... نقد و بررسی این نگرش:
48	..... ارزیابی مسئله وحی بعد از نقد این سه نظریه:
49	..... شرایط صاحب وحی:
49	..... اشاعره:
50	..... فلاسفه مشاء:
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... فصل دوم: کشف و شهود عرفانی	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... معنا و مفهوم کشف و شهود عرفانی:	

**Error! Bookmark not defined.** .....: کشف در لغت:

**Error! Bookmark not defined.** .....: مکاشفه:

**Error! Bookmark not defined.** .....: شهود در لغت و اصطلاح:

**Error! Bookmark not defined.** .....: در اصطلاح کلامی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: شهود عرفانی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: تفاوت مشاهده و مکاشفه:

**Error! Bookmark not defined.** .....: اقسام مکاشفه

**Error! Bookmark not defined.** .....: 1- کشف صوری (مثالی).

**Error! Bookmark not defined.** .....: 2- کشف معنوی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: اقسام کشف صوری به لحاظ نوع ادراک:

**Error! Bookmark not defined.** .....: ویژگی های کشف صوری:

**Error! Bookmark not defined.** .....: مراتب کشف معنوی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: مراتب تشکیکی در مکاشفات:

**Error! Bookmark not defined.** .....: 1- کشف حقیقی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: 2- کشف غیر حقیقی یا همان مکاشفه نماها

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.** .....: مراحل تکاملی کشف:

**Error! Bookmark not defined.** .....: میزان در کشف و شهود عرفانی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: 1- میزان و مطابقت با احکام و قواعد مسلّم عقلی:

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.** .....: 2- مطابقت با احکام و معارف دینی:

**Error! Bookmark not defined.** .....: 3- بداهت در مکاشف باشد.

**Error! Bookmark not defined.** .....: 4- امام و یمین

5- مطابق با صورت عقليه در لوح محفوظ: **Error! Bookmark not**

**defined.**

بخش دوم: نظريّه ابوحامد محمد غزالي در باب وحی، و کشف و شهود عرفانی

**Error! Bookmark not defined.**

فصل اول: نظريه غزالي در باب وحی **Error! Bookmark not defined.**

سير ادراکی بشر و جایگاه وحی **Error! Bookmark not defined.**

جایگاه نبی: **Error! Bookmark not defined.**

مراد از قول خداوند و وحی و الهام و اختلاف کتب آسمانی چیست؟ **Error!**

**Bookmark not defined.**

تفاضل بين انبياء **Error! Bookmark not defined.**

کتابت الهی چیست؟ **Error! Bookmark not defined.**

کیفیت وحی: **Error! Bookmark not defined.**

ماهیت وحی نزد غزالي و چگونگی تمثیل وحی: **Error! Bookmark not**

**defined.**

تمثیل وحی: **Error! Bookmark not defined.**

آیا تعریف نبی به حد و رسم ممکن است یا نه؟ **Error! Bookmark not**

**defined.**

اثبات عقل فعال **Error! Bookmark not defined.**

اوّل: دليل شرعی **Error! Bookmark not defined.**

دوم: دليل عقلی **Error! Bookmark not defined.**

نقش ملائکه در عالم خلقت: **Error! Bookmark not defined.**

اثبات نبوت **Error! Bookmark not defined.**

دليل اجمالی: **Error! Bookmark not defined.**

استدلال تفصیلی برای اثبات رسالت: **Error! Bookmark not defined.**

مقام امر: **Error! Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** .....خصوصیات و ویژگی های نبوت:

**Error! Bookmark not defined.** .....خلاصه نظریه:

**Error! Bookmark not defined.** .....نحوه بیان علوم الهی:

**Error! Bookmark not defined.** .....تفصیل مطلب:

**Error! Bookmark not defined.** .....اجمالی و تفصیلی در مسئله:

**Error! Bookmark not defined.** .....اما اجمالی:

**Error! Bookmark not defined.** .....تفصیل

**Error! Bookmark not defined.** .....تفصیل در مسئله:

**Error! Bookmark not defined.** .....فصل دوم: نظریه غزالی در باب کشف و شهود عرفانی.

**Error! Bookmark not defined.** .....مقدمه:

**Error! Bookmark not defined.** .....الهام در نزد غزالی:

**Error! Bookmark not defined.** .....1\_ القاء الوحی:

**Error! Bookmark not defined.** .....2\_ الهام:

**Error! Bookmark not defined.** .....فرق بین الهام و وحی:

**Error! Bookmark not defined.** .....بخش سوم: نظریه حکیم صدرالدین محمد شیرازی در مورد وحی، و کشف و شهود عرفانی

**Error! Bookmark not defined.** .....فصل اول: نظریه ملاصدرا در باب وحی

**Error! Bookmark not defined.** .....انواع ادراکات و تعلقات نزد صدرا

**Error! Bookmark not defined.** .....مبادی ادراکات نزد صدرا:

**Error! Bookmark not defined.** .....جایگاه نبی در عالم خلقت:

**Error! Bookmark not defined.** .....خصوصیات و صفات شخص نبی:

**Error! Bookmark not defined.** .....نحوه اتصال نفس انسانی به عالم روحانی و جواهر مجرّده: **Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... مدخل برای وحی و الهام چیست؟

**Error! Bookmark not defined.**..... کلام ملاصدرا برای اثبات علم به اشیاء از طریق علم اشراقی:

**not defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... اتصال به جواهر مجردة برای اخذ علم:

**Error! Bookmark not defined.**..... آیا اتحاد با عقل فعال ممکن است یا نه؟

**Error! Bookmark not defined.**..... نحوه تلقی وحی نزد ملاصدرا:

**Error! Bookmark not defined.**..... کیفیت نزول کلام و هبوط وحی:

**Error! Bookmark not defined.**..... خلاصه

**Error! Bookmark not defined.**..... سبب نزول کلام الهی و تنزیل کتاب الهی چیست؟

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... عالم وحی الهی، قضاء ربانی و قرائت لوح محفوظ:

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... کیفیت نزول وحی با تکیه بر آیه:

**Error! Bookmark not defined.**..... علم به مغیبات در بیداری:

**Error! Bookmark not defined.**..... وجود خارجی برای مشاهدات نبی

**Error! Bookmark not defined.**..... فصل دوم: نظریه ملاصدرا در باب کشف و شهود عرفانی

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... حقیقت و ماهیت الهام:

**Error! Bookmark not defined.**..... چگونگی حصول الهام:

**Error! Bookmark not defined.**..... کشف و شهود از نظر ملاصدرا

**Error! Bookmark not defined.**..... 1- کشف صوری

**Error! Bookmark not defined.**..... 2- کشف معنوی

**Error! Bookmark not defined.**..... فرق بین الهام و وسوسه

**Error! Bookmark not defined.**..... فرق بین خواطر ملائک و شیاطین

آیا بین مؤذای وحی و الهام و اکتساب اختلافی هست؟ **Error! Bookmark not defined.**

مشاهدات ارباب شهود و اصحاب کشف..... **Error! Bookmark not defined.**

بخش چهارم: وحی از نگاه غزالی و ملاصدرا... **Error! Bookmark not defined.**

معنا و مفهوم وحی از نگاه غزالی و ملاصدرا: **Error! Bookmark not defined.**

فصل اول: رابطه بین ماهیت وحی و کلام الهی..... **Error! Bookmark not defined.**

مقدمه: **Error! Bookmark not defined.**

ابوحامد محمد بن محمد بن محمد الغزالی معروف به ابوحامد غزالی (505—450هـ—ق)

**Error! Bookmark not defined.**

کلام الهی نزد غزالی: **Error! Bookmark not defined.**

کیفیت وحی الهی و مقام نبوت: **Error! Bookmark not defined.**

خلاصه نظرات غزالی در باب وحی و نبوت: **Error! Bookmark not defined.**

**defined.**

محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی قوامی معروف به صدر المتألهین و ملاصدرا (وفات 1050 هـ—ق)

**Error! Bookmark not defined.**

نظریه ملا صدرا در باب وحی و نبوت: **Error! Bookmark not defined.**

مراتب کلام الهی نزد صدرا: **Error! Bookmark not defined.**

تمثیل مسئله: **Error! Bookmark not defined.**

تطبیق کلام الهی با این تمثیل: **Error! Bookmark not defined.**

نتیجه گیری: **Error! Bookmark not defined.**

حقیقت وحی نزد ملا صدرا: **Error! Bookmark not defined.**

ویژگیهای وحی: **Error! Bookmark not defined.**

فصل دوم: مقایسه بین نظرات غزالی و ملاصدرا در مقوله ماهیت وحی **Error! Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** مقایسه بین نظرات غزالی و ملا صدرا در ماهیت وحی  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... مشترکات بین نظرات غزالی و ملا صدرا:

**Error! Bookmark not defined.**..... افتراقات بین نظرات غزالی و ملا صدرا:

**Error! Bookmark not defined.**..... 1- افتراق اول

**Error! Bookmark not defined.**..... 2- افتراق دوّم:

**Error! Bookmark not defined.**..... 3- افتراق سوّم:

**Error! Bookmark not defined.**..... 5- افتراق چهارم:

**Error! Bookmark not defined.**..... بیان غزالی:

**Error! Bookmark not defined.** فصل سوم: کشف و شهود عرفانی از نگاه غزالی و ملا صدرا  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... معنا و مفهوم کشف و شهود عرفانی

**Error! Bookmark not defined.**..... مقدمه:

**Error! Bookmark not defined.**... معنا و مفهوم کشف و شهود از نگاه غزالی:

**Error! Bookmark not defined.**..... معنای مکاشفه نزد غزالی:

**Error! Bookmark not defined.**..... معنای سلوک و تصوّف نزد غزالی

**Error! Bookmark not defined.**..... آیا مکاشفه و مشاهده اسماء مترادف هستند؟

**Error! Bookmark not defined.**..... کیفیت مکاشفه و مشاهده نزد غزالی:

**Error! Bookmark not defined.**..... حقیقت مکاشفه:

**Error! Bookmark not defined.**..... تصوّف نزد غزالی:

**Error! Bookmark not defined.**..... شروط تصوّف:

**Error! Bookmark not defined.** معنا و مفهوم کشف و شهود از نگاه ملا صدرا:  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... 1- سفر من الخلق الى الحق:

**Error! Bookmark not defined.**..... 2- سفر من الحق الى الحقّ بالحق:

**Error! Bookmark not defined.**..... 3- سفر من الحق الى الخلق بالحق

**Error! Bookmark not defined.**..... 4- سفر من الخلق الى الخلق بالحق

**Error! Bookmark not defined.**..... اثرا ت مكا شفه و مشاهده نزد صدرا:

**Error! Bookmark not defined.**..... تبيين ديگر از معنای كشف و شهود از دیدگاه ملا صدرا:  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... مشترکات:

**Error! Bookmark not defined.**..... تمایزات:

**Error! Bookmark not defined.**..... نتیجه گیری

**Error! Bookmark not defined.**..... اهم نظرات غزالی به طور خلاصه در مورد وحی:  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... خلاصه نظرات غزالی در مورد كشف و شهود عرفانی:  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... جمع بندی نظرات غزالی:

**Error! Bookmark not defined.**..... خلاصه نظرات ملا صدرا در باب وحی:

**Error! Bookmark not defined.**..... كشف و شهود عرفانی نزد ملا صدرا:

**Error! Bookmark not defined.**..... نتیجه گیری از نظرات ملا صدرا:

**Error! Bookmark not defined.**..... نتیجه رساله:

**Error! Bookmark not defined.**..... منابع و مأخذ

**Error! Bookmark not defined.**..... الف) کتابها

**Error! Bookmark not defined.**..... ب) مقالات



## پیش گفتار:

وحی مفهوم بنیادی در ادیان ابراهیمی و سنگ زیربنای اسلام است. علاوه بر این که، مباحث بسیار دقیقی میان فلاسفه، متکلمان و عرفای اسلامی در این خصوص صورت گرفته ولی همواره جذابیت و ظرافت خاص خود را به دنبال دارد و در هر زمانی تازگی و نوشدگی خود را دنبال می کند.

پدیده وحی، به معنای خاصی که در مورد پیامبران به کار می رود، حادثه خاصی است که تنها در مورد افراد معدودی از بشر رخ داده است. یعنی تنها انبیاء الهی به دریافت وحی الهی نایل شده که همین امر، بشر خصوصاً عالمان را به تکاپو واداشته است. از بدو تاریخ پدیده وحی، دو نگرش متفاوت و متباین در کنار هم به مقوله وحی، نظر داشتند. جریانی سعی در اثبات و ضرورت وحی، و جریانی دیگر به نفی وحی، قلم فرسایی کردند و تا الآن هم، همین مباحث ادامه دارد. اما امروزه به شکل دیگری، پدیده وحی مورد تفسیر قرار می گیرد که به دو تفسیر عمده آن یعنی روان شناختی و تجربه دینی در این مقاله به آن اشاره خواهد شد و به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت. در این مقاله سعی در تبیین و توضیح و تفسیر مفاهیم و معانی وحی و سپس در بخش های دیگر به نظرات دو حکیم مسلمان یعنی غزالی و ملاصدرا در مورد وحی می پردازیم.

و از جمله مباحثی که در این مقاله به آن می پردازیم، مقوله کشف و شهود عرفانی است که امروزه در میان ادیان مختلف در مورد آن سخن رانده می شود و به تحلیل در این مورد می پردازند که بعضی وحی نبوی را بالاتر از کشف و شهود عرفانی نمی دانند و در مقابل این گروه، عده ای دیگر بین وحی و کشف و شهود قائل به تباین شده اند.

بنابر این قصد بنده سعی در تبیین مسئله وحی، و کشف و شهود عرفانی از دیدگاه غزالی و ملاصدرا و تمایز بین وحی و کشف و شهود با توجه به دیدگاه این دو متفکر است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

آنچه که بیان می شود، تمام بضاعت و تلاش این جانب در این مدت بوده است و از قصوری که ممکن است باشد، عذرخواهی می کنیم، این مقاله ان شاء الله، مقدمه ای برای کارهای ارزنده تر قرار بگیرد. والله المستعان.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

مقدمه:

# طرح تحقیق

## 1. بیان مسأله

این پایان نامه به حول و قوه الهی در صدد آن است که به تبیین مسئله وحی و به تبیین مسئله کشف و شهود در عرفان از دیدگاه دو متفکر بزرگ اسلام، غزالی و ملاصدرا بپردازد تا شمه ای از آن حقیقت دست نیافتنی را بیان کند. در باب وحی همیشه بین متکلمان و فیلسوفان مسلمان و غیر مسلمان از نحوه تبیین وحی اختلاف بوده است که مرحوم غزالی در مفهوم وحی می فرماید: وحی علمی است غیر اکتسابی که شخص آگاه و مطلع است که این علم از طریق سببی برای او حاصل شده است و آن مشاهده ملک است که القاء در قلب می کند. اما مرحوم ملاصدرا در این باب می فرماید: زمانی که نفس از دنائس و معاصی پاک شد و اقبال به سوی خدا کرد پس خدای تعالی به حسن عنایت نظر به او می کند و اقبال کل بر او می نماید و نفس او را لوح قرار می دهد و عقل کلی را قلم قرار می دهد آن وقت جمیع علوم را در نفس نقاشی می نماید و حقایق بدون تعلم در نزد شخص متصور می شود.

اما در مفهوم کشف و شهود تقریباً هر دو به یک نظرند و آن این که الهام یا کشف و شهود از راه صفای نفس در مرحله سیر و سلوک برای شخص حاصل می شود ولی شخص راه ورود این علم را نمی داند. البته مفصلاً بحث خواهد شد.

اما در نحوه تلقی وحی بین غزالی و ملاصدرا اختلاف است زیرا غزالی قائل است که آخرین مرتبه کشف و شهود عرفانی، اولین مرتبه وحی است اما خود وحی هدیه ای الهی است که نصیب هر کسی نمی شود. ولی ملاصدرا قائل است که شخص نبی در بالاترین مرتبه تعقل قرار دارد و بالاترین مرتبه تعقل را وحی می داند که شخص نبی در یک مرتبه جمعیت از کمال قوه حاسه و مخیله و تعقل قرار دارد که بالاترین مرتبه تعقل اتصال او به ملاء اعلی و مشاهده ذات ملائک مقرب است. لذا می توان گفت که دامنه این بحث به کلام الهی و احادیث قدسی و احادیث نبوی و فرق بین اینها و چگونگی اطلاع پیامبر از این علوم می رسد. آیا شخص نبی به این

مرتب می‌رسد که علوم را در می‌یابد یا این که این علوم به او القاء می‌شود یا هدیه ای الهی است، لذا برای فهم این مباحث به انظار علماء و متکلمان و فیلسوفان و عرفا پرداخته خواهد شد.

## 2. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:

از آن جا که نبوت عامه یکی از اصول عقاید هر دین الهی به شمار می‌رود و هر شخص مکلف باید با فکر و نظر به آن ایمان آورد و آن چه که در این باب حائز اهمیت است این که قوام ذاتی در باب نبوت به وحی است. و این وحی چگونه است و چگونه حاصل می‌شود و فرق آن با کشف و شهود عرفانی در چیست: این جانب را بر آن داشت تا دغدغه ذهنی خودم را در این مسئله، مورد پژوهش و ارزیابی قرار بدهم تا به لطف پروردگار متعال، بتوانم عقل خود را در این بحث، انسجام ببخشم.

ثانیاً این که همیشه بین متکلمان و فیلسوفان و عرفاء در این بحث وحی و تلقی آن، که آیا از راه کشف و شهود عرفانی است یا غیر آن، اختلاف بوده است که بعضی آن را از امور رموزی دانسته‌اند که دست نیافتنی است یا از اموری است که دست یافتنی است ولی هر شخص مورد لطف و عنایت قرار نمی‌گیرد.

ثالثاً فرق بین کلام الهی و کلام نبوی و فرق بین وحی و تجربه نبوی چیست؟ همه این امور اینجانب را بر آن داشت تا در این مورد به بررسی بپردازم. اهمیت آن، اینکه مراد از وحی، و کشف و شهود بدست بدهد ثانیاً اینکه تمایز بین وحی و تجربه نبوی آشکار شود.

فایده بحث هم این خواهد شد که آیا نبی در بیان و تبلیغ وحی آن را مستند به خدای تعالی می‌داند یا این که کلام الهی را شرح و بسط می‌دهد. مثلاً آداب صلاة را بیان می‌کند چیست؟ آیا همه افعال نبی از وحی است یا همه گفتار نبی از وحی است یا نه؟ یا بین وحی مثل قرآن با کلام نبوی که همان احادیث باشد فرق است؟ آیا این که در نحوه بیان وحی، پیامبر حقیقی به تصرف دارد یا نه و آیا خدایی که جسم نیست و صوت و حرف ندارد چگونه این قرآن به او نسبت داده می‌شود؟ خلاصه آن که فایده بحث آن خواهد بود که شخص در این امور به یک امور واقعی ایمان می‌آورد که باید به لوازم آن هم ملتزم شود.

## 3. سابقه پژوهش:

این بحث که پیامبران، کلماتی را که به خدای تعالی نسبت می‌دهند چگونه این کلمات الهی را به دست آورده‌اند همیشه و در هر زمانی مورد سؤال واقع بوده است. لذا برای همین است که چون وحی را از امور

دست نیافتنی می دانسته اند، بعضی از افراد عالماً یا جاهلاً، پیامبران را یا منتسب به افتراء می کردند (نعوذ بالله) یا این که پیامبران را شاعر که اساطیر الاولین را بیان می کنند، منتسب می کرده اند. زیرا امور وحیانی را از چیزهایی می دانسته اند که جز فلک کسی قادر به دست یافتن به آن نمی باشد. و همه کتب آسمانی به این شبهات مبتلاء بوده اند یا این که نوبت به کتاب آسمانی قرآن رسید که به گفته خود قرآن، همه این ها کلمات الهی است و پیامبر [7] از پیش خود سخن نمی گوید. لذا متن قرآن خودش به عنوان معجزه بوده است که پیامبر [7] از پیش خود نمی گوید. لذا توجیه این بحث که نحوه تلقی وحی چگونه است میان فیلسوفان و متکلمان و عرفاء اختلاف بوده است که هر یک خواسته اند به طریقی آن را حل کنند. چون بعضی فارابی را اولین فیلسوف جهان اسلام می دانند که در باب وحی گفته است وحی مربوط به قوه تعقل است که پیامبران دارای بالاترین مرتبه آن می باشند و اتصال به عقل فعال از طریق قوه متخیله نیز راهی است که که پیغمبران آن را پیموده اند. بعد از فارابی، ابن سینا به طور مفصل در این باره سخن گفته است که نبی را دارای عقل مستفاد می دانست که لازمه اش دارا بودن قوه قدسیه است. و غزالی، وحی را فراتر از مرتبه عقل می دانست یعنی انسان با قوه تعقل نمی تواند امور وحیانی را درک کند بلکه باید پا در راه کشف و شهود عرفانی بگذارد که بالاترین مرتبه کشف و شهود، اولین مرتبه وحی است یا همان حالات اولیه پیامبران است. غزالی در نهایت قائل است که وحی غیر از کشف و شهود عرفانی است زیرا وحی هدیه ای الهی است که نصیب هر کسی نخواهد شد. بعد از غزالی، ملاصدرا، مفصل ترین مباحث را در این قضیه مطرح کرده است هر چند ملاصدرا، کشف و شهود عرفانی را دارای مراتب تشکیکی می داند ولی نبی در بالاترین درجه انسانی قرار دارد که حقایق عالم را از طریق اتصال به عالم عقول دریافت می کند اما این مرتبه از کمال برای هر شخص قابل دسترسی نخواهد بود بلکه خداوند ایشان را مورد عنایت خود قرار میده که نفس کلی به عنوان لوح و عقل کلی به عنوان قلم در آن نفس کلی نقاشی می کند که شخص در این حالت کأن ملک و فلک و ملک می گردد.

#### 4. سؤالیهای اصلی پژوهش:

- 1- معنا و مفهوم وحی و کشف و شهود عرفانی چیست؟
- 2- ماهیت و حقیقت وحی و کشف و شهود عرفانی از دیدگاه دو متفکر بزرگ اسلامی غزالی و ملاصدرا کدام است؟

3— رابطه بین وحی و کشف و شهود عرفانی با صاحبان آن و بررسی آن از دیدگاه دو متفکر غزالی و ملاصدرا چیست؟

### 5. فرضیه های پژوهش:

1— اگر در نهایت فرض را بر این قرار بدهیم که وحی، هدیه ای الهی است و غیر از کشف و شهود باشد، لازمه اش این خواهد بود که اختصاص بعضی دون بعضی باشد و وحی حقیقتاً کلام الهی است و نبی فقط به عنوان واسطه است.

2— اما اگر فرض را بر این قرار دهیم که شخص نبی در صورت اتصال به عالم عقول، علوم را فرا می گیرد یا این که بگوئیم خودش، همان نفس کلی می شود، در استناد متون مقدّس به خداوند دو جور فرض دارد. از یک سو استناد به خدا تعالی دارد و از یک سو، استناد به پیامبر، چون پیامبر این الفاظ را بیان می کند گرچه در این شق نیز الفاظش می شود.

3— و اگر فرض بر این قرار داده شد که بین وحی و کشف و شهود عرفانی به بالاترین مرتبه آن فرقی نیست. بین کلام و احادیث نبوی با قرآن فرقی نخواهد بود چون هر دو حکایت از حقیقتی واقعیّه دارد فقط اختلاف در همین خواهد بود که در وحی ملک مقرب را مشاهده می کند ولی در الهام، آن ملک را نمی بیند و من حیث لا یحتسب این حقایق را درمی یابد.

### 6. سوالات فرعی پژوهش:

- 1— تعریف وحی چیست؟
- 2— اقسام وحی کدام است؟
- 3— قرآن از کدام نوع وحی است؟
- 4— عالم مثال و خیال متصل و رابطه وحی با آن؟
- 5— رابطه نوع وحی یا مراتب وحی با مراتب کمال نفس نبی [7]؟
- 6— جایگاه فرشته در نظام هستی؟
- 7— الفاظ قرآن که مادی و بشری اند و دارای کثرت می باشند با خدای متعال که مجرد است و بسیط، چگونه ارتباط دارد؟

- 8- با توجه به بساطت خدای متعال که حرکت در او فرض نمی‌شود، چگونه می‌توان تصوّر کرد قرآن که کلام الهی است و پیامبر [7] در زمان خاصی این‌ها را تکلم فرموده‌اند حادث باشد.
- 9- رابطه بین کلام غزالی که وحی را هدیه ای الهی می‌داند و نبی آن را تحصیل نمی‌کند با کلام ملاصدرا که وحی را حصول علم در باطن انسان می‌داند، اختلافی هست؟
- 10- آیا بین کلام ابن سینا که نبی را دارای عقل مستفاد می‌داند با کلام ملاصدرا، اتحاد دارند یا افتراق؟
- 11- تعریف کشف شهود عرفانی، اقسام آن و مراتب سیر و سلوک «شرائط کشف» چیست؟

### 7. پیش فرض های پژوهش:

- 1- این که خدائی در این عالم وجود دارد. و برای افراد بشر، پیامبری از جنس خودشان فرستاده است.
- 2- این که این مباحث در مورد همه پیامبران، در حداقل‌ها ثابت است ولی بعضی از پیامبران بر بعضی برتری دارند.
- 3- این که وحی در همه ادیان ابراهیمی مورد تسالم واقع شده است ولی در تلقی وحی، اختلاف است.
- 4- این که یکی از راه‌های رسیدن به واقعیت از راه کشف و شهود عرفانی یا از راه قلب است.

### 8. اهداف پژوهش

هدف علمی پژوهش در صدد بیان مسئله وحی و کشف و شهود عرفانی است تا معلوم شود که آیا وحی از مراتب کشف و شهود است یا این که امری ماوراء آن.

ثانیاً این که بر فرض قبول این معنی که وحی بالاترین مرتبه کشف و شهود است باز میان کلام پیامبران و عرفاء تمایز برقرار است.

از حیث کاربردی هم به این سؤال جواب داده خواهد شد که بین احادیث قدسی و نبوی با متن مقدّس مثل قرآن چه تمایزی است یا نیست؟ که در نتیجه به این خواهد رسید که نباید بین قرآن و کلام نبی، فرق قائل شد مگر از حیث صدور ولی از حیث دلالت هر دو به یک اندازه حجّت است.



## 9. ضرورت خاص پژوهش:

این که امروزه در میان متفکران این بحث مطرح است که بین تجربه نبوی با تجربه و حیوانی اختلاف است هم از جهت صدور و هم از جهت دلالت یا این که نیست و در هر صورت آیا تجربه نبوی قابل بسط است و این که آیا پیامبر هر روز پیامبرتری شد یا نه؟ خلاصه آن که قبض و بسط تجربه نبوی به معنای اعم آیا صحیح است یا فقط به معنای خاص که همان الهام باشد یا این که اصلاً صحیح نیست و پیامبر اصلاً قبض و بسطی ندارد. و همه علوم حضوراً پیش نبی حاضر است.

## 11. روش پژوهش:

نوع روش پژوهش: توصیفی

## 12. روش گردآوری اطلاعات و داده ها:

از راه مطالعه کتب و مقالات.

# پیش درآمد

### خلاصه ای از زندگی ابوحامد محمد غزالی:

غزالی در سال 450 هـ ق در طوس به دنیا آمد و در جمادی الآخر سال 505 هجری قمری در همان شهر وفات یافته است. در درون زندگی ایشان که همراه با حکومت سلجوقیان در ایران بوده و نزد تمام سلاطین و بزرگان این دودمان مورد احترام بوده است. غزالی در زمانی می‌زیست که کثرت عالمان و دانشمندان و وفور تألیف و تصنیف کتب، به خصوص کتاب های مذهبی و معارف اسلامی مانند فقه و کلام و حدیث و دوره مناقشات و مجادلات مذهبی اشتداد یافته بود. پدر غزالی به اهل علم، ارادت بسیار داشت و همین امر، ابوحامد را به سمت دروس حوزوی کشاند و هنوز به سی سال نرسیده بود که تمام علوم رسمی و فنون متعارف زمان را از ادب فقه و اصول و خلاف و کلام و مبادی فلسفه فراگرفته و استاد کامل گشت و بعد از تدریس و تحقیق بعد از سن 39 سالگی حال او دگرگون گشت و به شک در تمام علوم و معارف خود رسید که همین امر باعث توقّف او نشده بلکه با سیر در مباحث نفس و علوم مختلفه، با الطاف الهی از این ظلمتکده رها شده و به وادی معرفت دست یافت و در بین همه علوم و معارف، به طریق صوفیه متمایل شد و نقدهایی بر فلاسفه به نام **تهافت الفلاسفه** انگاشت و بعد از این بود که روی به سوی تألیفات عرفانی و اخلاقی و... آورد که اهمّ تألیفات او در ذیل می‌آید:<sup>(1)</sup>

1— **احیاء علوم الدین** که همراه با ملحقاتی از جمله **الاملاء فی اشکالات الاحیاء** و کتاب **عوارف**

**المعارف** هم به چاپ رسیده است.

2— **المنتقد من الضلال**

3— **مقاصد الفلاسفه**

4— **تهافت الفلاسفه**

7 و 6 و 5— **بسیط و وسیط و وجیز**

---

1. دکتر علی اصغر حلبی، **تاریخ فلاسفه ایرانی**، چاپ اول، چاپ خاشع، انتشارات زوار، 1381، صص 352-384.

- 8- جواهر القرآن
- 9- المضمون به علی غیر اهله
- 10- فضایح الباطنیّه
- 11- غرایب الاوّل فی عجایب الدول
- 12- سرّ العالمین و کشف ما فی الدارین
- 13- تنزیه القرآن عن المطاعن
- 14- المستصفی فی اصول الفقه
- 15- المتحول فی علم الاصول
- 16- **کیمیای سعادت** (فارسی)
- 17- معارج القدس فی مدارج معرفة النفس
- 18- الاقتصاد فی الاعتقاد
- 19- **مجموعه رسائل** که مشتمل بر 26 رساله است.
- 20- الاربعین فی اصول الدین
- 21- دفاع عن العقیده و الشریعه
- 22- قواعد العقائد
- 23- منهاج العابدین
- 24- بدایة الهدایه
- 25- المعارف العقلیه

### **خلاصه‌ای از زندگی صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملاصدرا:**

ملاصدرا که در قرن یازدهم هجری پا به دنیا گذاشت اما در مورد تولّد او، قول موثقی نیست ولی وفات او را سال 1050 هجری قمری نوشته‌اند که در حال رفت یا برگشت از سفر حجّ رخ داد. ملاصدرا در خدمت بزرگانی همچون شیخ بهایی و میرفندرسکی و میرداماد و... کسب فیض کرده و از علوم نقلی و عقلی بهره های فراوان برد. که ملاصدرا روزگار خود را، روزگار جهل و نادانی دانسته که علم و شرف و حکمت از میان رفته است. عرفان و اهل آن خوار گشته و خلق از دانش معارف منصرف شده‌اند.

همین ناسازگاری روزگار با او، در نفس وی روح عزلت و کناره گیری از مردم را به وجود آورد و او را بر آن داشت که در قم و حوالی آن (روستای کهک) مدت‌ها گوشه نشیند و به تأملات فکری و فلسفی مشغول باشد. و شاید انس گرفتن او با افکار عارفان و صوفیان بزرگ چون غزالی و محیی الدین ابن عربی و نیز طغیان روح اشراقی، و همچنین هم نشینی او با شیخ بهایی و میرداماد که هر دو در عرفان سرآمد روزگار بودند، صدرا را به سمت مسایل عرفانی و اشراقی سوق داد. هر چند که ملاصدرا مسایل فلسفی و کلامی و عرفانی را با دلایل عقلی و نقلی و اشراقی ضمیمه می کرد تا معرفتی درست از آن به دست دیگران بدهد و کار به جایی رسید که عده ای در تکفیر او کوتاهی نکرده و عَلم مخالفت با او پرداخته و در مسایلی مانند وحدت وجود، عدم خلود و انقطاع عذاب، و مسئله عشق و معاد و حور و قصور و انهار و اشجار در جنت را جنت عوام نام نهاده، ملاصدرا متهم به کُفرگویی شد. اما ملاصدرا تنها به عزلت نپرداخت بلکه به تألیف کتب مختلف پرداخت که اهم آن‌ها را ذکر می‌کنیم<sup>(2)</sup>:

1- الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه

2- الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه

3- المبدأ والمعاد

4- اسرار الآیات و انوار البینات

5- مشاعر

6- الحکمة العرشیه

7- شرح الهدایة الاثیریه

8- شرح الهیات شفا

9- رساله الحدوث

10- رساله ائتلاف الماهیه بالوجود

11- رساله سریان الوجود

12- رساله فی القدر والقضاء

13- رساله اکسیر العارفين

---

2. دکتر علی اصغر حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی، همان، صص 644-671.

- 14- رساله حشر العوام
- 15- رساله خلق الاعمال
- 16- رساله التصور والتصديق
- 17- حاشیه بر شرح حکمه الاشراق
- 18- مفاتيح الغيب
- 19- العرشیه
- 20- تفسير القرآن
- 21- المظاهر الالهية في اسرار العلوم الكاملة
- 22- رساله الواردات القلبية
- 23- مجموعه رسائل فلسفی ملاصدرا

بخش اول:

# وحی و کشف و شهود، معانی و اقسام آن

## فصل اول:

# وحی



## مفهوم وحی

### ماده وحی از نظر لغت شناسان:

واژه وحی، گاهی از مصدر وَحَى، یحیی و حیاً است که از باب ضرب، یضرب ضَرْباً بر قیاس، فعل یَفْعَلُ فَعَّلاً است و گاهی اسم مصدر از باب افعال به شمار می‌رود. از اَوْحَى یُوحَى، ایحاء. لکن این اتفاق وجود دارد که وحی و ایحاء هر دو به یک معنا می‌باشد. راغب اصفهانی در *مفردات* می‌گوید:

وحی: اصل الوحی، الاشارة السريعة ولتضمن السرعة قیل امرٌ وحی. وذلك یكون بالكلام... و قد یكون بصوت... و باشارة... وبالكتابة...

اصل وحی اشاره سریع است. که به همین دلیل گفته می‌شود: امر وَحَى یعنی: امرٌ سریعٌ. که با کلام می‌باشد... و گاهی با صوت مجرد از ترکیب است و با اشاره به بعض جوارح و به کتابت هم می‌باشد.<sup>(3)</sup> همین مطلب در کتاب *المصباح المنیر* آمده است.<sup>(4)</sup> ابن فارس در باب ریشه وحی می‌نویسد:

«وحی» (واو. حاء. و حرف معتل یاء) ریشه ای است که به عرضه دانش پنهانی یا غیر آن بر دیگری دلالت می‌کند. و تمامی استعمال های واژه وحی به این ریشه بر می‌گردد. لذا می‌فرماید:

---

3. ابی القاسم الحسین بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الاصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ دوم، انتشارات خدمات چاپی، 1404 هـ.ق، دفتر نشر کتاب، ص 515.

4. احمد بن محمد بن علی الفیومی المقرئ، *المصباح المنیر*، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت: چاپ تکراری، 2001، ص 249.

و، ح، ی. اصل يدل على القاء علم في اخفاء. فالوحي: الاشاره، والوحي: الكتابة والرسالة. وكل ما التقيه الى غيرك حتى علمه. فهو وحي كيف كان، وكل ما في باب الوحي فراجع الى هذا الاصل.<sup>(5)</sup>

### موارد استعمال وحي:

دانشمندان علم لغت برای واژه وحي، موارد استعمال متعددی نقل کرده‌اند: مانند: نوشتن، اشاره، پیام، الهام، کلام مخفی، نوشته، کتاب. و باید دانست که ارباب لغت اتفاق نظر دارند که جامع تمام معانی و کاربردهای کلمه وحي، همان تفهیم و القای سریع و نهانی است، خواه القای امر تکوینی بر جمادات باشد و یا القای امری غریزی بر حیوانات. و چه تفهیم خطورات فطری و قلبی بر انسان های معمولی باشد یا تفهیم پیام شریعت بر انبیاء. خواه با اشاره باشد یا نوشتار سرّی. خلاصه تمام این موارد به نحوی آن خصوصیت تفهیم و القای سرّی و سریع نهفته است.<sup>(6)</sup>

### وحي در قرآن:

کلمه وحي و مشتقات آن به صورت اسم و فعل، هفتاد و دو بار، در قرآن کریم استعمال شده است که غالباً در باره ارتباط ویژه خداوند تبارک و تعالی با پیامبران در زمینه القای پیام هدایت تشریحی است. لیکن مواردی چند از استعمال این عنوان در معانی و مواردی دیگر، نشان گر آن است که مفهوم وحي در قرآن، چه از لحاظ گیرنده و مقصد آن و چه از لحاظ فرستنده و مبدأ آن، بسیار گسترده است. وحي کننده گاه خداوند تبارک و تعالی، و گاه انسان یا شیطان است. گیرنده وحي در برخی از آیات، پیامبر خدا و در مواردی دیگر، انسان های غیر پیامبر و حیوانات و جمادات، می باشد. هرچند در تمام موارد استعمال، مفهوم مشترک و کلی «تفهیم سریع و نهانی» به نحو حقیقت یا به نحو مجاز و ادعا (در گیرنده طبیعی، جمادی و حیوانی) مورد اهتمام قرار گرفته است. لذا در این مرحله، کاربردهای وحي به لحاظ معنایی ذکر خواهد شد.

5. ابوالحسن احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 6، بیروت: دارالجلیل، ص 93.

6. همان، ذیل واژه وحي؛ ص 93، و احمد بن محمد بن علی الفیومی المقرئ، المصباح المنیر، ص 250.

## کاربردهای وحی در قرآن:

### الف: تقدیر و تدبیر عام نظام آفرینش:

در سوره فصلت آیات 9—12 پس از اشاره به آفرینش آسمانها و زمین، تبیین توحید در خالقیت و ربوبیت و تفکیک ناپذیری آنها از هم، می فرماید:

(وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ)

«در هر آسمانی کار و دستور مربوط به آن را وحی فرمود. و آسمان دنیا را به چراغها

(ستارگان) آذین کردیم و آن را محفوظ داشتیم. این اندازه آفرینی نیرومند توانا است.»

خداوند تبارک و تعالی، در خلقت آسمانها و زمین، مقدرات هر یک را مقدر و معین داشته است.<sup>(7)</sup>

یا در آیه دیگر در سوره زلزال، آیه 4 و 5 می فرماید:

(يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا) (بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا)

«ان روز است که (زمین) خبرهای خود را باز گوید به آن چه خداوند تبارک و تعالی

به آن وحی کرده است.»

که مراد از (أَوْحَىٰ لَهَا)، این می شود که بر اساس آن چه خداوند برای او تقدیر کرده است یا برای او قرار

داده است. یعنی تقدیر الهی بر این قرار گرفته است که زمین در روز مخصوصی، اخبار را بگوید.<sup>(8)</sup>

### ب: هدایت غریزی یا تدبیر غریزی حیوان:

در سوره نحل آیه 67-68 در مورد کار زنبور عسل تعبیر به وحی شده است:

(وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ) (ثُمَّ كُلِي مِن

كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا)

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی (الهام غریزی) کرد که از پاره های کوهها و از برخی

درختان و از آن چه داربست می سازند، برای خود خانه هایی بیگر. سپس از همه میوهها

بخور و راه های پروردگارت را خاکسارانه پیوی.»

7. محمدباقر سعیدی روشن، وحی شناسی، تحقیق کانون اندیشه جوان، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1378،

8. علامه محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 20، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، مطبعه اسماعیلیان، 1412، ص 342.

برداشت کلام این است که: همان غریزه ای را که در وجود این حیوان کوچک، قرار گرفته است تا بدون هیچ آموزشی در جای مناسب، خانه شگفت انگیز خویش را بر پا کند و از شهد گل‌ها عسل مصفاً تحویل دهد. این‌ها همه به تفهیم خاصّ الهی است. از آن جا که این القای غریزی نوعی از پیام رسانی پنهانی از سوی خداوند تبارک و تعالی است. عنوان وحی بر آن اطلاق شده است.<sup>(9)</sup>

### ج: الهام و در دل افکندن:

در سوره قصص آیه 7 در مورد داستان حضرت موسی [A] در باره مادر حضرت موسی [A] چنین آمده است.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

«و به مادر موسی [A] وحی کردیم که او را شیر بده و چون بر او بیم ناک شدی، او را در نیل بینداز و مترس و عمگین مباش که ما او را به تو بازگردانده و از پیامبرانش قرار می دهیم.»

### برداشت:

با توجه به این که مادر حضرت موسی [A] از پیامبران نبوده است وحی اصطلاحی که همان نزول جبرئیل باشد بر او وجهی ندارد. لذا این الهام و خطور در دل تعبیر به وحی شده است زیرا همان تفهیم پنهانی و نهانی را در بر دارد.

وحی اگر به معنی الهام و در دل افکندن باشد بدون نظر به مبدأ آن است خواه این الهام و در دل افکندن از جانب الهی باشد یا از جانب شیطان. لذا در سوره انعام آیه 121، از القای شیطان در دل انسان‌ها هم تعبیر به وحی شده است:

إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ

«همانا شیاطین به دوستان خود، القای وسوسه می کنند.»

و همین طور در سوره انعام آیه 112 می فرماید:

9. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 12، ص 292.

«وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»

«و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که بعضی از آنان به بعض دیگر، به فریب، سخنان آراسته القاء می کنند.»

لذا در این دو آیه ای که ذکر شده از پنهان بودن این گونه القائات تعبیر به وحی شده است. و این مفهوم و معنی مخفی کاری، از تعبیر کلمه شیطان به دست می آید، زیرا شیاطین، ظهور برای انسانها ندارند مثل محسوسات دیگر. لذا در سوره اعراف آیه 27 در مورد شیطان می فرماید:

«إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ؛

«او و دار و دسته اش شما را از جای که شما آنان را نمی بینید، می بینند.»<sup>(10)</sup>

د: اشاره پنهانی:

از دیگر موارد کاربرد وحی در قرآن کریم، اشاره است. که در سوره مریم آیه 11 در مورد این که هنگامی که به حضرت زکریا [A] بشارت به فرزند داده شد، برای اطمینان نشانه ای طلبید که در پاسخ به این درخواست او، سه روز زبان او جز به تسبیح خداوند تبارک و تعالی، بند آمده بود. لذا حضرت زکریا [A] مجبور شد به قوم خود مقصودش را با اشاره بیان کند. لذا قرآن کریم می فرماید:

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»

«پس از محراب بر قوم خویش خارج شد و با اشاره به آنان فهماند که صبح و شام (خدا را) تسبیح گوید.»<sup>(11)</sup>

که در آیه دیگر از این فعل حضرت زکریا [A] تعبیر به رمز شده است:

«قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ»<sup>(12)</sup>

10. محمدباقر سعیدی، وحی شناسی، صص 15-16.

11. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 14، ص 18.

12. سوره آل عمران: آیه 41.

ح: پیام الهی به فرشتگان:

در سوره انفال آیه 12 می فرماید:

(إِذِ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا)

«هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم، پس آنان را که ایمان آورده اند استوار سازید.»

و: فرستادن روح به پیامبر [7]

قرآن برای فرستادن روح به پیامبر اکرم [7] از فعل وحی استفاده کرده است آیه 52 از سوره شوری:

(وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا

نَهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)

بنابر این که از آیات دیگر استفاده شود احتمال این که روح غیر از جبرئیل یا ملائکه باشد و آن آیه 2 از

سوره نحل است که می فرماید: (يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ) که ظاهر آیه این است که روح غیر از فرشتگان است و

همچنین از آیه 4 سوره قدر که می فرماید: (تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)<sup>(13)</sup>

ز: وحی تسدیدي یا تأیید عملی پیشوایان:

از دیگر موارد کاربرد کلمه «وحی» در قرآن کریم، بنا به تفسیر برخی از مفسران در معنای عصمت و

توفیق عملی پیشوایان الهی است. قرآن کریم می فرماید:

(وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا

عَابِدِينَ)<sup>(14)</sup>

«ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما راهنمایی می کردند و انجام کارهای نیک

و برپایی نماز و دادن زکات را وحی کردیم و ما را پرستندگان بودند.»

13. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 18، ص 75.

14. سوره انبیاء: آیه 73.

که مرحوم علامه طباطبائی می فرماید: این، وحی تشریحی که پیامبران دریافت می کردند نمی باشد بلکه به معنای عصمت عملی پیشوایان معصوم است.<sup>(15)</sup>

### ح: ارتباط رسالی یا همان وحی تشریحی:

بیش ترین کاربرد قرآنی از کلمه وحی در معنای ارتباط رسالی پیامبران است که در میان اهل شریعت و دانشمندان علم کلام عنوان معنای اختصاصی پیدا کرده است و آن عبارت از تفهیم اختصاصی از جانب خداوند به بنده برگزیده که مأمور هدایت مردم می باشد.

واژه وحی در قرآن کریم، بیش از 60 مورد در این معنا به کار رفته است. مانند

(إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ)<sup>(۱۶)</sup>

و نیز آیه 3 از سوره شوری:

(كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ).

که این ارتباط رسالی به چند نحو ممکن است تحقق پیدا کند که در سوره شوری آیه 51 می فرماید:

(وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذْنِهِ مَا يَشَاءُ).

که در این آیه از ارتباط رسالی تعبیر به وحی شده است. (أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذْنِهِ مَا يَشَاءُ). یعنی یا فرستاده ای را بفرستد پس به إذن او هر چه بخواهد وحی نماید.<sup>(17)</sup>

### ط: رابطه مستقیم و بیواسطه خداوند تبارک و تعالی با پیامبر [7]:

در آیه 51 از سوره شوری که شیوه های گوناگون ارتباط خدا با پیامبر [7] یعنی تکلم خداوند تبارک و تعالی با پیامبران را گزارش می کند واژه «وحی» در معنای اخص به کار رفته است که عبارت از ارتباط بدون واسطه خداوند تبارک و تعالی با پیامبر [7] و آن آیه این است که:

(وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذْنِهِ مَا يَشَاءُ)

«هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن بگوید جزو از راه وحی یا از فراسوی حجابی

15. علامه طباطبائی، المیزان، ج 16، ص 260 و ج 14، ص 334.

16. سوره نساء: آیه 163.

17. علامه محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج 18، ص 72.

### یا فرستاده ای را بفرستد و با اذن هر چه بخواهد و می نماید.»

در این آیه شریفه به سه گونه تکلم الهی با بشر اشاره دارد و فقط بر تکلم بیواسطه واژه «وحی» اطلاق کرده است اما در دو مورد دیگر از واژه وحی به نحو مطلب استفاده نشده است.<sup>(18)</sup>

خلاصه آن که: کلمه وحی چه در معنای لغوی (تفهیم سریع و نهایی) و چه در کاربردهای قرآنی به انحاء مختلف، اختصاص به وحی تشریحی و ارتباط پیام رسانی ویژه خداوند تبارک و تعالی به پیامبران ندارد. گرچه معنای اصطلاحی رایج و غالب آن همین است.

نهایی و سری بودن القای معارف الهی بر پیامبران موجب گردیده که از آن در قرآن به وحی تعبیر شود. در نتیجه، واژه وحی در حوزه اصطلاح علم کلام اسلامی، اخصّ از مفهوم لغوی آن بوده، و مختصّ معارفی است که به شیوه های خاص بر انبیاء القاء شده است.

در کاربرد قرآنی، هر چند کلمه وحی در مفهوم وسیعی به کار رفته است اما استعمال مطلق و بدون قرینه آن، مخصوص همان پیام گیری امر رسالت است.

پس وحی نبوی پدیده ای است فراسوی افق طبیعت و نوع ویژه ای از معرفت است که تنها در دسترس گروه خاصی از انسانها قرار می گیرد.

تبیین وحی در علوم مختلف کلامی و فلسفی و عرفانی، به معانی مختلفی قابل حمل است که همه اینها فقط در یک چیز اتفاق نظر دارند و آن این که معارف حاصله برای پیامبران، نوع ویژه ای از معارف است که قابل دسترسی هر کس نمی باشد اما نحوه ارتباط خدا با پیامبر یا پیامبر با خدا برای تحصیل معارف چگونه است قابل بحث و بررسی است که در مبحث آینده در مورد نظرات این گروهها سخن به میان خواهد آمد.

### اصول و مبادی معرفت انسان:

برای تحصیل علوم و معارف به چند ابزار نیاز دارد که اول حسّ و تجربه است. یعنی تحسین راه عمومی کسب و معرفت برای همه انسانها در طبیعت و در ارتباط با موجودات بیرونی، همان راه حسّ یا حواسّ پنج گانه است که قرآن کریم در سوره نحل آیه 78 می فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.

18. همان ؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 18، ص 72.



که این آیه به صراحت می‌فرماید که خداوند تبارک و تعالی شما را از شکم های مادرانتان در حالی که هیچ نمی‌دانستید بیرون آورد و از پیش برای شما گوش و چشم و قلب قرار داده است شاید شما شکرگزار باشید.

لذ مشهور و معروف است که «من لا حسّ له، لا علم له.» یعنی کسی که دارای هیچ قوه حسّی نباشد، هیچ علمی برای او نخواهد بود. پس قدم اوّل برای شناختن و درک علوم، حسّ و تجربه است.

ابزار دوّم تفکر عقلانی است که این تفکر عقلانی از دو منظر نظری و عملی قابل بررسی است که علی ای حال برای تجرید و تعمیم علوم و معارفی است که از راه حواسّ به دست آمده است. که عقل آدمی این علوم و معارف حاصله از راه حواسّ را سر و سامان می‌دهد و از تلفیق و تجرید و تعمیم آن، علوم مجهولی را کشف می‌کند که گاهی درک امور کلی می‌کند و گاهی تطبیق علم کلی بر جزئی می‌نماید.

این تفکر عقلانی کاربردهای مختلفی در عمل دارد که شخص در مواجهه با مسائل مختلف از روش های متفاوت استفاده می‌کند که از جمله این روش ها، برهان و خطابه و جدل و شعر می‌باشد.

ابزار سوّم برای درک مفاهیم و معارف که محصول حسّ و تجربه و روش عقلی نیست. بلکه تجربه شخصی و کشف درونی است که این ابزار شناختی فراتر از تجارب علمی و عقلی است که از آن تعبیر به امر وجدانی و بصیرت باطنی می‌شود. و اگر برای شخص این اشراق معنادار حاصل آید ارزش معرفتی ای که برای شخص حاصل می‌شود بالاتر از شناخت ذهنی و حصولی است. زیرا شناخت قلبی و وجدانی، خطاپذیر نمی‌باشد بر خلاف سایر شناخت‌ها که از راه حواسّ و تفکر عقلانی به دست می‌آید. هر چند برای دریافت امور قلبی همراه با مقدماتی و شرایط خاصّ خود را داراست ولی این که گفته شد خطاپذیر نیست این در مرحله کشف و شهود یا حضور آن علم در نزد دل و قلبی انسان است ولی اگر این کشف و شهود یا علم وجدانی، به علم حصولی تعبیر شود گاهی با نابسامانی هایی یا خطاهایی همراه خواهد بود مگر این که شخص مؤید به تأیید الهی باشد و مصون از خطاء و اشتباه قرار گیرد و مانند خواب و رؤیایی است که انسان‌ها در حالت نوم مشاهده می‌کنند که گاهی خود اصل رؤیا حجّیت دارد و گاهی احتیاج به تعبیر و تأویل دارد که إن شاء الله خواهد آمد.

### وحی از نگاه مکاتب مختلف:

تفسیر هر مکتبی از جهان و انسان ممکن است متفاوت با تفسیر مکتب دیگر باشد و در میان مسلمین و ارتباط انسان و جهان و تبیین آن بر اساس جهان بینی توحیدی سه مکتب عمده فکری، کلامی، فلسفی و عرفانی

تحقق یافته است. می توان گفت هر سه مکتب در اصل تحفظ بر شریعت اتفاق نظر دارند و با دغدغه عمیق نسبت به حفظ آموزه های دینی به تفسیر انسان و جهان همّت گماشته اند. اما این سه مکتب از نظر سطح و عمق و زاویه نگاه به انسان و جهان متفاوتند.

### مکتب کلامی

مکتب کلامی سعی در تبیین پدیده های جهان هستی و جهان و انسان با نگاه ائی می نگرد و در پی آن است از اثر پی به مؤثر ببرد و مؤثر را شناسایی کند هر چند متکلمین در اصل اثبات خدا و صفات او با دلیل عقلی آغاز می کنند اما در نهایت آنچه از آن به دست می آید، بر پایه و مبنای دین می باشد. که متکلمین و اندیشمندان در این عرصه، خود به سه دسته تقسیم می شوند:

الف: کسانی که قاعده حسن و قبح ذاتی یا عقلی را می پذیرند. و بر اساس حسن و قبح عقلی، به تبیین جهان هستی می پردازند که عمده مکتب در این عقیده، مکتب معتزله است که پای را از این فراتر گذاشته و حتی قائل به تفویض هم شده اند.

ب: کسانی که منکر قاعده حسن و قبح ذاتی و عقلی اند و قائلند که حسن آن چیزی است که حسنه الشارع و قبیح آن چیزی است که قبحه الشارع. که بر اساس این مکتب، از ظاهر شریعت و دین، به تفسیر دین و آموزه های دینی می پردازد هر چند با دلیل عقلی سازگار نباشد. که عمده گرایش به این عقیده، مکتب اشاعره است که زائیده مکتب، اهل حدیث و حنابله است.

ج: که در این میان مکتب دیگری در خانه وحی شروع به رشد و نمو کرد که بعدها به عنوان مکتب امامیه شهرت یافت که به تبیین مسائل دینی می پرداخت با تکیه بر عقل و وحی. بر این اساس عقل را به عنوان یکی از ادله شناخت مطرح ساخت که این دلیل عقلی می تواند در همه عرصه های معارف، جریان داشته باشد. که البته افراط و تفریط هایی هم در این مکتب، پیدا شد که گاهی منجر به عقل گرایی محض و گاهی منجر به نقل گرای محض گردید، هر چند متکلمین امامیه قائل به حسن و قبح عقلی و ذاتی بودند ولی در ادامه شناخت دین، بعضی به مکتب اشعری و بعضی به مکتب معتزلی گرایش پیدا کردند.

### مکتب فلسفی

در مقابل مکتب کلامی که تکیه بر ظاهر دین و شریعت می کرد، فیلسوف سعی در تبیین جهان هستی با نگاه عقلی و لمّی دارد. فیلسوف بر اساس قاعده علّت و معلول و با تکیه بر دلیل عقلی به تفسیر خدا و پیدایش

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

جهان هستی پرداخت. هرچند فیلسوف در تفسیر و تبیین دلیل عقلی، احتجاج و استدلال می‌کرد اما غافل از دین و شریعت نبوده است و برای توضیح هر چه بهتر آموزه های دینی، به دلیل عقلی و فلسفی روی آورد تا مجهولات و سؤالات عرصه دین شناسی را تبیین کند. تا نگرش آفاقی به جهان و آفرینش حفظ شود.

### مکتب عرفانی:

اما انسان عارف با چشم دل به جهان هستی می‌نگرد یعنی با نگاه انفسی به کشف جهان هستی می‌پردازد و از ابزار شناخت قلبی استفاده می‌کند و عارف جمال و جلال هستی را شهود نموده و برای رسیدن به این مقام با سیر و سلوکی و طی مراتب و مراحل به این درجه از شناخت قلبی می‌رسد و می‌تواند به کشف و شهود و شناخت جهان هستی نایل شود. البته عارف، شناخت خود را بالاتر از شناخت عقلی می‌داند. گرچه از منظر فلاسفه عارف نتوانست شناخت شهودی و قلبی خود را بر اساس استدلال عقلی تبیین کند.

خلاصه این که عده ای با شناخت و آگاهی از این مکاتب سعی در تلفیق بین این مکاتب نمودند که نمونه آشکار این ظهور مکاتبی حول مکتب اشراق و مکتب مشاء و مکتب صدرالمتألهین است که مکتب صدرالمتألهین سعی در توفیق بین عرفان و برهان و قرآن (دین) نموده است که به تفصیل خواهد آمد. برای این که نوع نگرش در مباحث و حیانی، روشن و آشکار شود، باید خصوصیات و ویژگی های وحی، معلوم شود، تا نوع نگاه به آن، روشن گردد.

### خصوصیات و ویژگی های وحی:

#### 1- درونی بودن:

انسان، معرفت معمولی و عادی خویش را از سه طریق حسّ و عقل و قلبی به دست می‌آورد. اما وحی پدیده ای غیر از این سه نوع ادراک است. زیرا وحی که از آن تعبیر به شعور مرموز شده است منشأ دیگری دارد و آن چیزی جز القاء الهی بر قلب و روح نبی نمی‌باشد که در نحوه القاء بین علماء اختلاف است.

## 2- تعلیم الهی:

خصوصیت دیگر وحی این است که القاء آن از طریق فرشته وحی و در نهایت خداوند تبارک و تعالی انجام می‌گیرد. و پیامبر یا نبی حالت قابلی دارد که به تعبیر قرآن کریم: (عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى)<sup>(19)</sup> و (عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ)<sup>(20)</sup> که خداوند تعلیم به پیامبران را به خودش نسبت می‌دهد.

## 3- آگاهی از مبدأ وحی:

از خصوصیات وحی این است که نبی در حین قبول وحی از مبدأ آن هم آگاهی کامل دارد که با واسطه یا بیواسطه به او القاء می‌شود.

## 4- ادراک واسطه وحی:

نبی یا پیامبر در مواجهه با امر و حیانی، اگر واسطه ای در القاء وحی به ایشان بود، آن واسطه را به وضوح کشف و شهود می‌کرد.

## 5- تردید و ابهام ناپذیری:

از خصوصیات دیگر وحی آن است حقایقی که برای انبیاء بیان می‌شود و یا اموری که مورد شهود قرار می‌گیرد واضح و روشن و آشکار برای نبی باشد و جای هیچ گونه تردید و ابهامی در آن نباشد.

## 6- تضادناپذیری:

از ویژگی های مهم از امور و حیانی این است که گزاره هایی و حیانی با هم در تضاد و تقابل نباشند بلکه باید بین محتوا و مشاهدات وحی، یک نوع هماهنگی و انسجام و تلائم برقرار باشد تا غرض از وحی که تکامل بشر است محقق شود.

با این خصوصیتی که در مورد وحی بیان شد، برای تحلیل آن که آیا عقلانی است یا نه؟ جای بحث و بررسی دارد.

---

19. سوره نجم: آیه 5.

20. سوره نساء: آیه 113.

## تحلیل وحی:

در باب تحلیل وحی سه نظریه عمده وجود دارد که به طرح این نظریات، بیان نظر مختار متعرض می‌شویم. که این نظریات: 1— نظریه فلسفی وحی 2— نظریه عرفانی وحی 3— تفسیر روان شناسانه و جامعه شناسانه از وحی

### الف) نظریه فلسفی وحی:

برای تبیین هر چه بهتر آن، مقدمه ای را بیان می‌کنیم:

#### مقدمه اول:

نفس ناطقه انسان برای ادراک دارای قوای ظاهری و باطنی است. نفس انسان به واسطه، قوه عاقله، کلیات و مفاهیم را ادراک می‌کند، اما مفاهیم جزئی را با آلات حسّی، ادراک می‌کند. فلاسفه قائل به چند دسته قوای ادراکی باطنی برای انسان هستند که مشهورشان پنج تاست: 1— حسّ مشترک 2— خیال 3— حافظه 4— واهمه 5— متخیله.

حسّ مشترک: عبارت از حسّی که محسوسات نزد او فراهم می‌گردند و او همه را با هم ادراک می‌کند که غیر از قوای خمسه حسّی است.

خیال: که حافظه صورت های حسّ مشترک است.

واهمه: قوه ای که معانی جزئی را که به هیچ یک از قوای حسّ ظاهری ادراک نمی‌شود مثل محبت، دشمنی را درک می‌کند.

متخیله: قوه ای در نفس انسانی که می‌تواند صور و معانی گوناگون را با هم ترکیب کند یا این که مفاهیم مختلف را که در یک چیز جمع‌اند از هم جدا سازد و بالجمله قوه متصرفه در ادراکات ذهنی است. که به عبارت دیگر بیان مسائل علمی و استدلال و برهان مربوط به قوه متخیله است.

حافظه: قوه ای است که، معانی را که قوه واهمه به یاد دارد، حفظ می‌کند که حافظ صور و معانی جزئی و کلیه است.<sup>(21)</sup>

21 جمال الدین حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه ابوالحسن شعرانی، صص 278-280.

**اما اصل نظریه:**

فلسفه به دلیل اختلاف آراء پیروانش به دو گرایش بزرگ مشاء و اشراق تقسیم شده است که پیروان مکتب افلاطون را اشراقیون و پیروان مکتب ارسطو را مشائیون نام گذاری کرده‌اند. بعضی از فلاسفه مشاء، معرفت و حیانی را به معرفت عقلانی تفسیر کرده‌اند و وحی را در قلمرو عقل، قرار داده و آن را استکمال و نهایت مرحله عقل، تلقی نموده‌اند که در این صورت، مبدأ و منبع وحی را عقول مجردة یا همان عقل فعال یا عقول فعاله می‌دانند. آن‌ها در تفسیر وحی چنین گفته‌اند:

وحی عبارت است از اتصال قوی و رابطه فوق العاده نفس پیامبر، با عقل فعال که سایه آن بر عالم حسّ مشترک و خیال نیز گسترده می‌شود.<sup>(22)</sup>

ظاهراً مؤسس این تفسیر، فارابی در قرن چهارم هجری است. فارابی در کتاب *آراء اهل المدینه الفاضله* می‌فرماید:

«اتصال به عقل فعال، از دو طریق برای انسان‌ها میسر می‌گردد: اول، عقل. دوم، خیال. حکیم کسی است که از طریق نظر و تأمل و طی مراحل مختلف، به عقل فعال متصل می‌گردد و اتصال به عقل فعال از طریق قوه متخیله نیز طریقی است که پیغمبران آن را پیموده‌اند و جهان غیب را به عنوان وحی منزل به مردم متصل ساخته‌اند.»<sup>(23)</sup>

در فهمیدن تفسیر فلسفی وحی، مفهوم عقل فعال جایگاه ویژه ای دارد و آن این که: فلاسفه مشاء با استدلال‌های مختلف، عقل دهمی را در کنار عقول نه گانه مجردة به نام عقل فعال اثبات می‌کنند که مراد آنان از این عقل، روح قدسی و موجود تام بالفعل یا صادر اول است که به امر خدا، موجودات را از قوه به فعلیت در می‌آورد. لذا کار عقل فعال: وجود بخشیدن، القاء نمودن حقایق و افاضه دهنده معارف، تکمیل نفوس جمیع عالم از جمله انسان‌ها، و سرچشمه تمام معارف و قرائن علوم می‌باشد. هر انسانی معلومات خود را (خواسته یا ناخواسته) در اتصال و ارتباط با این عقل، دریافت می‌کند. حتی فلاسفه مشاء محفوظات حافظه انسان را در ارتباط با همین عقل دانسته‌اند و گفته‌اند:

22 عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، ص 257.

23 ابونصر فارابی، *آراء اهل المدینه الفاضله*، تحقیق البیر نصری نامد، بیروت: دارالمشرق، 1986 م، ص 67.

«یادآوری معلومات قبلی، در اتصال و ارتباط با عقل فعال بوده و انسان آن‌ها را از عقل فعال دریافت می‌کند.»<sup>(24)</sup>

خلاصه آن که عقل فعال در فلسفه مشاء، القاء‌کننده حقایق و افاضه دهنده معارف و تکمیل نفوس جمیع انسان حتی اولیاء و انبیاء می‌باشد. و هر روح و نفسی به اندازه توانایی خود با عقل فعال، در ارتباط و اتصال است. و به قدر توانایی خود از آن منبع و خزانه، کسب معلومات می‌کنند. لذا هر اندازه قوه عاقله و خیال و حسّ مشترک انسان قوی تر باشد، دریافت معلومات از عقل فعال بیشتر و اتصال بین آن‌ها قوی تر خواهد بود و چون اولیاء و انبیای الهی، از نفس و روح و قوای روحی فوق العاده قوی برخوردار بودند، عالی ترین ارتباط و اتصال را با عقل فعال داشته و می‌توانستند در خواب و بیداری، عالی ترین اطلاعات و معارف و حقایق را به صورت کلی از آن دریافت کنند، و سپس قوه خیالی نفس پیامبر، آن معارف کلی را از قوه عقل گرفته، و به صورت های محسوس مناسب آن صور کلی درآورده و در حسّ مشترک منعکس نموده و از حسّ مشترک، به حواسّ ظاهری منتقل نموده و برای مردم بیان می‌دارد.

به عبارت دیگر، چون نبی، همه مراتب عقل نظری و عملی را به طور کامل پیموده و در او به فعلیت رسیده، عقل فعال در قوای نظری و عملی او تأثیر کرده و همه انوار عقلی، نفسی و حسّی در او جمع گشته است، به طوری که پیامبر با روح و عقل و تخیل و حسّ مشترک خویش، فرشته مقرب یا همان عقل فعال را در تمام مراحل یادشده به وضوح ادراک می‌کند. چرا که این اتصال و اتحاد با عقل فعال و دریافت علوم آن قدر واضح و روشن است که پیامبر آن را به صورت فرشته ای می‌بیند یا به صورت صدایی می‌شنود. در حالی که این ها، چیزی جز همان اتصال و اتحاد نیست. بنابر این استکمال قوه تعقل پیامبر، موجب مجاورت قدّیسین و مصاحبت مقربان (در لسان شرع) و اتصال به عقل فعال (در لسان فلاسفه) می‌گردد.

و استعداد قوه متخیله، ملازم مشاهده اشباح مثالی و اشخاص غیبی و دریافت اخبار جزئی از آنان و آگاهی بر حوادث زمانی و حال و آینده است. و اشتداد قوه حسّیه مشترک، موجب انفعال و انقیاد مواد جرمانی از او و خضوع قوا و طبایع مادی برای اوست. چون هر سه قوه در او به نهایت استکمال رسیده‌اند، با قوه عاقله، معارف و حقایق را بدون وساطت و تفکر و تأمل، از عقل فعال می‌گیرد و بر اساس اصل محاکات (اصل تشبیه)

24. عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، ص 257؛ جمال الدین حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مبحث اجسام فلکی و اثبات

عقول.

آن معارف را در خود نمایان ساخته و سپس این معارف در قوه خیال به صورت مثالی یعنی کلام موزون و فصیح که بر یک سلسله معارف حقیقی مشتمل است محقق شده و سپس از مرحله عالم مثال و قوه خیال تنزل کرده و در حسّ مشترک، به تناسب این مقام، تجلّی می نماید که از حسّ مشترک به صورت شنیده شدن کلام و دیده شدن لفظ، تحقّق پیدا می کند.<sup>(25)</sup>

که بر طبق همین بیان و مقدمه ای که گذشت همه فلاسفه مشاء، به این اصل و اساس پایبند بوده به طوری که شیخ الرئیس بوعلی سینا صریحاً به تبیین آن پرداخته حتّی بیان می دارد که، همه علوم و معارفی را که انسان بدان دست می یابد چه از طریق اکتسابی و چه از طریق شهود باطنی، مفیض همه این صور، عقل فعّال می باشد.<sup>(26)</sup> که این کلمات فیلسوف شهیر اسلامی، منجر به کلماتی از دانشمندی دیگر به نام ابوحماد غزالی شد که علوم و معارفی را که نبی به دست می آورد را از عقل فعّال دانسته به طوری که قائل شد، عقل فعّال با نفس یکی می گردد و با او متحد می شود.<sup>(27)</sup> اما بعدها، با آمدن شیخ اشراق سهروردی و تبیین تازه و نواز طریق کشف و شهود، حکیم متألّه فیلسوف گرانقدر، ملاصدرا را بر آن داشت تا با تفسیری فلسفی و عرفانی پایه گذار مکتب دیگری به نام حکمت متعالیه گردد و با همان تفسیر فلسفی از وحی موافقت کرده اما از حلول عقل فعّال در نفس نبی به شدت اجتناب کرده و می گوید که نفس نبی در اثر کمال در قوای عقلی اعمّ نظری و علمی و استکمال در آن به جایی می رسد که کأنه خودش ملک و فلک و ملک است. یعنی انوار الهیه مستقیماً و بدون واسطه بر قلب او تجلّی می کند به حدّی که در سیر صعودی نفس نبی با عقل یا عقول فعّاله متّصل و متحد گشته است که همه علوم به یک باره در پیش او حاضر است.<sup>(28)</sup>

---

25 عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، ص 344.

26 شیخ الرئیس بوعلی سینا، الاشارات و التنبیها، ج 2، با مقدمه و شرح شیخ طوسی، چاپ اول، قم: نشر البلاغ، 1375 هـ ش، ص 361.

27 ابوحماد محمد غزالی، تهافت الفلاسفه، با مقدمه و تعلیق دکتر صلاح الدین الهواری، بیروت: صیدا، المكتبة العصرية، 1425 هـ ق

28 صدر المتألّهین، شواهد الربوبیه، با مقدمه و تصحیح و تعلیق سید جلال الدین آشتیانی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، 1382، ص



## نقد و بررسی نظریه فلسفی وحی:

در بحث نقد و بررسی این نظریه، مطالبی بیان شده است که به نظر می‌رسد، این نقدها صحیح نباشد اما

بیان نقد:

1— لازمه تفسیر فلسفی از وحی این است که وحی با معلومات سایر انسان ها، تفاوت ماهوی نداشته باشد در حالی که وحی یک موهبت الهی است.

2— بر اساس این تحلیل، وحی یک امر غیر قابل دسترسی نیست و تمامی انسان‌ها به نوعی از وحی، بهره مند هستند.

3— این که فرشته وحی همان عقل فعال باشد و در عوالم مختلف، وجودی مناسب با همان عالم پیدا می‌کند، این تنها در حدّ یک فرضیه است و دلیلی بر مطابقت وجود عقل فعال با فرشته وحی اقامه نگردیده است.

4— مبنای این نظریه، بر وجود افلاک نه گانه بطلمیوسی و اثبات نفوس مجرد فلکی و عقول ده گانه قدیم است که بطلان آن به اثبات رسیده است چرا که حرکت اجسام فلکی به خود آن‌ها نسبت داده می‌شود.

5— این تحلیل از وحی، با ظاهر آیات و روایات منافات دارد. چرا که وحی یک نوع ارتباط خاص با حقّ تعالی می‌باشد و از طرف دیگر فرشته وحی در این میان نقش اصلی و اساسی را بر عهده دارد و آن ابلاغ آن به نبی و حفظ پیام الهی است.<sup>(29)</sup>

## جواب نقدها:

1— چه اشکالی دارد که بین علوم و معارفی که از طریق اکتساب و استدلال به دست می‌آید با علومی که از طریق وحی به دست می‌آید، اختلاف ماهوی نباشد. بلکه اختلاف از حیث مراتب تشکیکی است و خود اختلاف از جهت تشکیکی گاهی به حدّی می‌رسد که کأنه گاهی علمی که از طریق وحی به دست می‌آید می‌توان را عین الیقین دانست و علمی را که از جهت اکتساب به دست می‌آید آن را علم الیقین دانست که بین عین الیقین و علم الیقین می‌تواند فرسنگ‌ها فاصله باشد.

29 محمدباقر سعیدی روشن، *وحی شناسی*، صص 23 و 25؛ مقاله *ماهیت وحی* از حیدر باقری اصل از اینترنت گرفته شد، 1384.

2- در جواب از نقد دوّم، عرض می‌کنم که بین امکان عقلی و امکان وقوعی اختلاف است، درست است که طی این مراحل و رسیدن به نهایت کمال در عقل نظری و عملی امکان عقلی دارد، اما در نهایت برای یک عده از افراد، امکان وقوع پیدا می‌کنند و هر کسی را طاقت و توانایی پیمودن این راه را ندارد.

3- بر اساس اصل خلقت اعمّ از طولی و عرضی عقل فعّال یا عقول فعّاله ای واسطه خلقت از مجرد به ماده هستند و این عقول هم به عنوان ملائک سماوی، از وظائف محوّله تخطّی نمی‌کنند. اما این که عقل فعّال، یا عقول فعّاله به عنوان فرشته وحی باشند شکی در آن نمی‌تواند باشد چرا که به عنوان واسطه فیض‌اند اما ملائکی مانند جبرئیل آیا همان عقل فعّال باشد کسی به این مطلب تصریح نکرده بلکه جبرئیل را به عنوان واسطه وحی و فرشته وحی بین قلب و دل پیامبر بیان می‌کنند چرا که وحی بر قلب پیامبر وارد می‌شود و قبل از بیان آن، اطلاع از آن دارد.

4- بر فرض بطلان هیئت بظلمیوسی، خدشه ای در اصل بحث ندارد بلکه تنها خدشه ای که می‌زند به تعداد عقول مجرد است که آیا ده تا است یا بیشتر؟ که در این صورت افرادی مثل شیخ اشراق سهروردی و ملاصدرا از این عقول مجرد، تعبیر به عقول فعّاله کرده‌اند که حتّی شیخ اشراق تعداد آن‌ها را عرضی می‌داند نه طولی و حتّی ممکن است تا هزار تا هم برسد.

5- این که این تحلیل از وحی با ظاهر آیات و روایات منافات دارد، دو جور برداشت دارد. یکی این که ظهور اولیه آیات و روایات است که این امر درستی است. اما امر دوّم این که مراد ظهور اولیه نیست بلکه از تلفیق بین همه آیات و روایات و با مستندات عقلی یعنی همراه با ادله عقلیه، چنین منافاتی دیده نمی‌شود حتی چه بسا آیات و روایات مؤیدات این نظریه می‌باشد مثل این حدیث که پیامبر اکرم [7] فرمود: من پیغمبر بودم زمانی که آدم و حوا در گل بودند.

شاید تنها نقدی که بر قرائت فلسفی وحی وارد است این است که از آیات قرآنی به دست می‌آید که پیامبران نه تنها معانی بلکه حتّی الفاظ کتب آسمانی هم از طریق وحی به آن‌ها می‌رسد مثل آیه: (فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ)<sup>(30)</sup> که به این نکته علامه طباطبایی در *المیزان* تصریح می‌کند.<sup>(31)</sup>

30. سوره قیامه: آیه 18.

31. علامه طباطبایی، *تفسیر المیزان*، (عربی) ج 18، ص 346.

## نظریه عرفانی وحی:

این نظریه، ماهیت وحی را در قلمرو و الهام درونی، کشف روحانی و تجربه نفسانی قرار می‌دهد و وحی، به الهام درونی و کشف روحانی و تجربه نفسانی تفسیر می‌شود. این تفسیر اهل سلوک و متصوفه مسلمان از وحی است.

آنچه به کشف نسبت داده می‌شود، غالباً نتیجه جهد و کوشش فراوان، در مورد یک موضوع، در اثر ریاضت روحانی یا نتیجه یک رشته تفکرات طولانی، در باره یک موضوع می‌باشد.

و کشف در نزد عرفا بر دو نحوه است: یکی کشف صوری که در اثر اتصال عارف با عالم مثال مطلق از طریق حواس باطنی، علوم و معارفی را شهود می‌کند که در مبحث اقسام کشف خواهد آمد. دیگری کشف معنوی که مجرد از صورت حقایق است و مکشوف، اصل جوهر ذات معناست. کشف معنوی، ظهور معانی غیبی حقایق عینی است. که مثل کشف صوری دارای مراتب، است که در مبحث اقسام کشف خواهد آمد.

بنابر این شخص نبی از طریق سیر و سلوک عرفانی و پیمودن طریق تصوف، علوم و معارف حقیقی بر قلب او هجوم می‌آورند و شخص از امور ماوراء حجاب، اطلاع حاصل می‌کند.<sup>(32)</sup>

زبده این کلمات و این نوع تفسیر در بیانات شبلی نعمان از اهل متصوفه است، که می‌گوید:

«همان طوری که واسطه ادراک، از دیدگاه اصحاب حس فقط حس ظاهر است، از دیدگاه متصوف و عرفا نیز، راه واسطه ادراک به نحو حقیقی حس نهان است. این ادراک مخصوص انبیاء نیست بلکه برای اولیاء و اصفیاء نیز حاصل می‌شود. لیکن به لحاظ فرق وحی و الهام، اولیاء را الهام نام دهند و انبیاء را وحی. یعنی به خاطر این که عامه نفرت نکنند، لیکن برای متکلمین و حضرات صوفیه، این قسم احتیاط و پاس خاطر عوام چه لزومی داشته، وقتی که دیده می‌شود خدا این احتیاط را نکرده است. زیرا در قرآن نسبت به مادر حضرت موسی [A] لفظ وحی آمده است در صورتی که او پیامبر نبوده است.»<sup>(33)</sup> لذا طبق همین نظریه، جبرئیل را مخزون و درون نفس پیامبر می‌دانند.<sup>(34)</sup>

32. جلال الدین آشتیانی، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1375، صص 588 و 590.

33. شبلی نعمان، سوانح مولوی، ص 92.

34. همان، ص 93.

خلاصه آن که بر اساس این نظریه، گوشه گیری پیامبر اکرم [7] را قبل از بعثت، براساس سیر و سلوک عارفانه، تفسیر می کنند که نبی با قلب و دل خویش، الهاماتی را که بر قلب او افزوده می شود، را در می یابد و آن معانی را برای مردم بیان می کنند.

### نقد و بررسی نظریه عرفانی وحی:

تفسیر عرفانی از وحی به نحو عام و خاص قابل تقسیم است و آن این که آیا همه معارف و علوم را که نبی به دست آورده است از طریق سیر و سلوک بوده است حتی کتابی مثل قرآن یا این که پیامبران به مانند اولیاء و اصفیاء و متصوفان، دارای مکاشفات عرفانی بوده اند. بر فرض این که جواب به این سؤال به نحو عام باشد، نقدهایی بر آن وارد است. و قبل از بیان نقدها به این نکته اشاره می کنیم که اولاً این یک بحث مبنائی است. لذا مخالفت با آن، بر اساس مبنا، مشکلی را حل نخواهد کرد، مگر این که مبنا مورد خدشه وارد شود. لذا اولین نقد بر مبنا این است که، بر اساس تجربه بین عارفان و سالکان، هیچ عارفی غیر از انبیاء و اولیاء الهی، این همه علوم و معارف بر او الهام نشده است، ثانیاً این که ادعای نبوت و شریعت تازه داشته باشد، را نداشته است تا این که خود را مبعوث خداوند تبارک و تعالی بداند.

ثالثاً بر فرض تسلّم و قبول این که تنها راه رسیده به نبوت، سیر و سلوک عارفانه باشد، در مورد انبیائی که در سنین کودکی مثل حضرت عیسی [A]، از الهامات و بعثت سخن گفته است بدون این که سیر و سلوکی کرده باشد چه معنا خواهد داشت؟ و نقد چهارم این است که هیچ یک از انبیاء الهی، مردم را دعوت به این سیر و سلوک عارفانه نکرده اند تا این که به مقام نبوت مبعوث شوند بلکه همیشه وحی به خویش و بعثت خود را از امتیازات خاص خود می دانستند که نصیب هر کسی نخواهد شد و آن را موهبتی الهی می دانستند نه این که در اثر اکتساب به دست آید.

نقد پنجم این که بین همه کلمات انبیاء خصوصاً نبی گرامی اسلام [7] با این همه معارف و علوم به ویژه قرآن کریم، اختلافی و تعارضی نمی باشد در حالی که بین عارفان و صوفیان، همیشه اختلاف بوده و هست. و هر کسی تفسیری ویژه خویش را دارد و دیگر این که بین مکاشفات و مشاهدات عارفان تعارضاتی هست که اصلاً با اصل دین و شریعت مسلم، سازگاری ندارد.

خلاصه آن که: در تعابیر اهل سلوک و متصوفه میان الهام و وحی تشریحی، خلط شده است و نظریه عرفان گروی وحی بر پایه چنین خلطی استوار گردیده است.<sup>(35)</sup>

### تفسیر روان شناسانه و جامعه شناسانه از وحی:

از جمله دیدگاه هایی که در تحلیل پدیده وحی اظهار شده است، عقیده ای است که از سوی برخی دانشمندان جدید، بر اساس مبانی و داده های نوین علوم اجتماعی و روان شناسی عرضه شده است. این افراد به منظور جمع و سازگاری میان دانش جدید و عقیده به وحی و نبوت، گاه وی را تبلور شخصیت باطنی و گاه نبوغ اجتماعی شمرده اند. به زعم این گروه، پیامبران افرادی درست کارند که در گزارش از آنچه دیده و شنیده اند، صادقند، اما با این تبصره که منشأ آگاهی های آنان تراوش شخصیت باطنی خود آنهاست که در موقعیت ویژه ای متبلور می شود، نه در ارتباط با عالم غیب و جهان ماورا طبیعت.

بر اساس این نگرش، روح متعالی، فطرت پاک، باور راسخ، پالودگی از ناهنجاری های اعتقادی و رفتاری و سلامت و اصالت وراثت خانوادگی، همه و همه، در اندیشه و بینش های پیامبران تأثیری شگرف گذاشته، و ایده آل های والای نفسانی، الهامات ویژه ای را در درون ایشان پدیدار ساخته است. پیامبران نیز آن الهامات ویژه را به عنوان یک حقیقت غیبی و وحی پنداشته اند یا در پرتو نبوغ خاص درونی و عقل اجتماعی ویژه ای که از آن برخوردار شده اند، قوانین و نظریاتی را که باعث ترقی و اصلاح و رشد جامعه بشری است، پیش روی همگان نهاده اند.<sup>(36)</sup>

### نقد و بررسی این نگرش:

1— نیروی شگفت روان انسان مورد تردید نمی باشد اما نمی تواند این دعوی را اثبات کند که سرچشمه دانش های بیکران انبیاء، روح باطنی یا نبوغ اجتماعی ایشان باشد، چرا که انبیاء، معارف خود را وابسته به نیروی غیب مقتدر دانسته و خود را در این مورد هیچ کاره و مقهور می شمردند.

35. مقاله حیدر باقری اصل، تبیین وحی از دیدگاه متکلمان مسلمان، فصل نامه علمی - ترویجی دانشگاه قم، سال ششم، شماره 1، بهار

36. محمدباقر سعیدی روشن، وحی شناسی، تحقیق کانون اندیشه جوان، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول بهار 1378،

2— دانش هایی که از راه نبوغ به دست می آید با معارف گسترده ای که انبیاء می دانستند، قابل مقایسه نیست.

3— ناسازگاری های کلامی که میان افراد نخبه و حتی با آموزه هایی که افراد نابغه به دست می آورند، بر کسی مخفی نیست و حال آن که در کلمات انبیاء یک نوع انسجام گرایی و سازگاری حکم فرماست.<sup>(37)</sup>

### ارزیابی مسئله وحی بعد از نقد این سه نظریه:

درست است که هر حکیمی و دانشمندی از منظری به مسئله وحی نگاه کرده است اما هر یک از این نظرات برای تبیین مسئله وحی کافی و وافی نمی باشد چرا که هر یک از دیدگاهها دارای اشکالاتی است که مهم ترین این نقدها، عدم سازگاری با ظاهر بعضی از آیات و روایات است. بنابر این به نظر می رسد اگر بخواهیم نظریه ای از مسئله وحی ارائه دهیم که هم جامع افراد باشد و هم مانع اغیار هر چند تعریف به حدّ و رسم تام ممکن نیست اما تفسیری از مسئله ارائه می کنیم که جامع همه تفاسیر باشد و آن این است که:

1— همه پیامبران الهی از افراد صاحب نبوغ باطنی و اجتماعی بوده اند به عبارت دیگر کسی به درجه نبوت نایل می شود که استعداد درک مسائل مهمّ و حیانی را داشته باشد و لذا برای درک این مسائل ماوراء طبیعت، باید دارای نبوغ از حیث باطنی و از حیث اجتماعی هم دارای مقبولیت عامّه باشد تا هم قدرت و توانایی ادراک معارف و حیانی را داشته باشد و هم قابلیت و تأثیر اجتماعی را داشته باشد.

2— قدر مسلم بین همه نظریات این است که معارفی را که انبیاء تلقی می کنند و برای مردم، ابلاغ می کنند، از جایگاه ویژه ای این معارف، برخوردارند. لذا می توان گفت از امری غیر عادی بر او افاضه شده یا ایشان اکتساب کرده است که در نظریه فلسفی وحی، این مفیض معارف و علوم را، عقل فعّال و در نظریه عرفانی وحی، از طریق الهام که در نزد نبی به عین یقین رسیده است و در نزد نظریه روان شناختی، به نبوغ درونی نسبت داده شده است. خلاصه آن که القاء معارف بر نبی از جایگاه ویژه ای برخوردار است که هر کسی را لیاقت و صلاحیت این مقام را ندارد.

3— عقول مجرّده یا ملاتک در القاء وحی، در حقیقت نقش اصلی را بازی می کند پس اتصال با عقل فعّال چه با واسطه و چه بی واسطه، از جایگاه ویژه ای در نظریه فلسفی وحی برخوردار است.

37. همان، صص 26 و 28، با اندکی تلخیص.

4- الهام دارای یک معنای عام است که شامل وحی هم می‌شود، لذا تحصیل از راه الهام و مکاشفه گاهی با واسطه است که از آن تعبیر به وحی می‌شود چرا که رسول یا نبی، یقین به منشأ و رابطه دارد و گاهی بیواسطه که شخص اطلاع از سبب ندارد. در نتیجه نظریه عرفانی وحی هم باید در نبی مورد ملاحظه قرار گیرد. خلاصه آن که به نظر می‌رسد کسی به مقام نبوت می‌رسد که هر یک از این سه نظریه را در نهایت کمال داشته باشد یعنی نبی به کسی اطلاق می‌شود که دارای هر چهار ویژگی که برگرفته از سه نظریه تفسیر فلسفی وحی، تفسیر عرفانی وحی و تفسیر روان شناختی از وحی را در غایت کمال داشته باشد.

### شرائط صاحب وحی:

در بحث این که صاحب وحی یا نبی باید دارای چه شرائطی باشد، در میان مکاتب مختلف کلامی و فلسفی انظار مختلفی مطرح است که بعضی از آنها قابل طرح و بررسی است.

### اشاعره:

اشعری‌ها قائلند که هر کسی را که خداوند تبارک تعالی، ایشان را مبعوث به نبوت کرد با هر لفظی که باشد، او به عنوان نبی و پیامبر شناخته می‌شود. با این بیان روشن می‌شود که برای نبوت یا شخص نبی، شرط خاصی مد نظر نخواهد بود. البته این کلام اشعری بر یک مبنائی استوار است و آن این است که اشعری قائل به حسن و قبح ذاتی نمی‌باشند. و فعل حسن فعلی است که حَسَنَةُ الشَّارِعِ و فعل قبیح: فعلی است که، قَبِيْحَةُ الشَّارِعِ. لذا برای نبوت یا شخص نبی شرط خاصی از اعراض و احوال که به وسیله ریاضات و مجاهدات حاصل می‌شود، لزومی ندارد بلکه خداوند تبارک و تعالی، یختص برحمته من یشاء من عباده. و نبوت هم رحمت است و موهبتی است که تعلق به مشیئت الهی دارد فقط. و خداوند تبارک و تعالی و هو اعلم حیث یجعل رسالته.<sup>(38)</sup>

□ علماء متکلمین از امامیه و معتزله شرائط دیگری را برای نبوت ذکر کرده‌اند:<sup>(39)</sup>

38. جعفر سبحانی، الهیات، ج 1، چاپ پنجم، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، 1381 هـ ش، ص 263.

39. همان، ج 1، ص 257.

1— عصمت انبیاء از گناهان: که در این مبحث هم ائتلاف وجود دارد چرا که بعضی عصمت از گناهان کبیره را قبل و بعد از نبوت می‌دانند و در مقابل افرادی فائند که قبل از بعثت نبی، گناه صغیره مانعی ندارد. یعنی عصمت از گناه صغیره لازم نیست.

2— تنزه از منفرات: شخص نبی باید از چیزهایی که باعث تنفّز مردم می‌شود، پاک و منزّه باشد که اهمّ آن: اوّل: تنزه از دنائت و پستی آباء و امّهات. دوّم: سلامت خلقت، یعنی از حیث جسمی در سلامت کامل باشد. سوّم: کمال الخلق: یعنی از حیث اخلاقی هم در بالاترین درجه حُسن خلق باشد. چهارم: کمال العقل: یعنی از حیث عقلی و تعقلی و فکری در بالاترین درجه فهمیدن باشد تا بتواند مسائل مهم و حیانی را تعلّم کند. پنجم: حُسن سیرت: این که نبی اگر چه در ظاهر دارای حُسن خلق است، باید در باطن هم همّت او بر پاکی و اخلاق شایسته استوار باشد. یعنی در باطن به مانند ظاهر خُلق او باید در بهترین وجه از کمال باشد.

### فلاسفه مشاء:

فیلسوفان مسلمان فائند نبی کسی است که در ایشان خواصّ ثلاث جمع شود. تا به وسیله این خواصّ از دیگران ممتاز شود تا مورد اختصاص قرار گیرد و موهبت الهی که همان وحی است نصیب ایشان می‌گردد: نبی کسی است که در قوائی که خداوند تبارک و تعالی در او قرار داده است در اعلی مرتبه ادراک باشد و آن قوا عبارتند از: اوّل: ادراک معقولات 2— ادراک صور مخیّل و محسوس مثل رؤیت ملک و فرشته 3— شدت قوه متصرّفه است. (40)

که نتیجه این سه نوع ادراک این خواهد شد که قسم اوّل در اثر ادراک معقولات که از طریق تکامل عقل نظری و عملی برای او حاصل می‌شود با عقل فعّال متّصل می‌گردد و همه معارف و علوم را بدون فکر، از عقل فعّال اخذ می‌کند که قوه حدس در شدت و حدّت قرار می‌گیرد. و در قسم دوّم که ادراک صور تخیّل و محسوس باشد که قوه متخیّله، صور معقوله را نیز را به صورت های مخیّل تبدیل می‌کند و صور جزئی را نیز به صورت مخیّل دیگر یا همان صورت اصلی خود تخیّل

40. بوعلی سینا، الرسالة العرشیه، حیدرآبادکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانیه،



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

می‌کند و صورت های تخیل شده به حسّ مشترک داده می‌شود که در نتیجه مورد رؤیت واقع می‌شود و در افرادی که قوه متخیله نیرومندی دارند. این حالت ممکن است در بیداری نیز رخ دهد. که در نتیجه مشاهدات انبیاء و رؤیت صورت های غیبی در حالت بیداری به مانند رؤیت ملائکه و فرشته وحی هم رخ دهد که در این نوع از ادراکات و حیانی، قوه متخیله نبی با عقل فعّال متصل می‌گردد. و لازمه این امر مرتبه قوه متخیله در نبی این خواهد شد که علوم و معارف عقلی بر او تمثّل و تجسّم یافته و تا حدّ مشاهده و استماع تنزل می‌یابند. و در خصلت سوّم، که شدّت قوه متصرفه باشد شخص نبی برای اثبات صدق دعوی خود در موارد و عناصر عالم تصرف می‌کند و معجزاتی را پدید می‌آورد که از اشخاص عادی بر نمی‌آید. خلاصه آن که شخص نبی باید دارای سه نوع خصوصیت و خصلت باشد. اوّل: شدت و حدّت قوه حدس. دوّم: جودت و قدرت نیروی تخیل سوّم: شدّت قوه متصرف. که با اجتماع این سه خصلت در شخص، او را مستحقّ برای دریافت وحی می‌سازد هرچند وحی در این مرحله هم موهبتی خواهد بود که اوّلین درجه وحی را که اتصال با عقل فعّال است در این شخص حاصل می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد